

نگاهی گذرا به جریان سلفی تکفیری داعش (قسمت یازدهم)

۱۲- شاخص ها و ظرفیت های جریان تکفیری

سلفی گری بیشتر یک جنبش سلبی است. آنها بحران های داخلی جهان اسلام را برآمده از فرقه ها و مذاهب می بینند. این گروه ها به دنبال فروپاشی مبانی هویتی و معرفتی کنونی هستند و البته در کار نظام سازی، طرح روشنی ندارند. به واقع تخریب و نیز برداشت اندیشه های سلبی از عقاید اسلامی، شاکله اصلی اندیشه آنهاست و این، رمز ادامه حیات چنین گروه هایی است. همه گروه ها و جریان های تکفیری به گونه ای زیر تاثیر، نفوذ و حمایت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای همچون عربستان و ایالات متحده آمریکا هستند. و نیز برخی مکانیسم ها و زمینه های اجتماعی و سیاسی جهان امروز، جریان سلفی را به مرور به سمت رادیکالیسم سوق داده است و در حال پیشرفت و توسعه است. افزایش دامنه رادیکالیسم، با وجود استعداد شیعه ستیزی در این گروه ها، اعلام زنگ خطری برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است .

نکات زیر در باره شاخص ها و ظرفیت های این گروه مهم است:

۱۲-۱- شاخص ها

- قدرت فراخوان و بسیج نیرو از سراسر جهان (تشکیل ارتش فراملی)؛
- اقدام مبتنی بر هژمونی ایدئولوژیک (قداست بخشی به منازعات)؛
- نبرد بر اساس راهبرد جنگ های نامتقارن (پارتیزانی)؛
- تحرک قابل ملاحظه نظامی و عملیاتی و استفاده از راهکنش های عملیاتی سریع و برق آسا؛
- برخورداری از ساختاری متکثر و غیرمنسجم در قالب واحدها و گردان های مستقل نظامی (هر واحد نظامی به تنهایی اقدام به تأمین امکانات، نیرو و... کرده و وابستگی آن به سایر واحدها حداقلی است)؛
- استراتژی استفاده حداکثری از امکانات دولتی و حتی اموال مردم در مناطق زیر سلطه و تأمین نیازهای خود از این راه (بهره گیری حداکثری از غنائم جنگی)؛
- توانایی تأمین هزینه جنگ و اداره مناطق تصرف شده با منابع اقتصادی موجود و کمک کشورهای حامی؛

۱۲-۲- ظرفیت ها

- بهره مندی از حمایت های پنهان و آشکار بعضی از دولت های منطقه از جمله ترکیه، عربستان و قطر؛
- برخورداری از حمایت های پنهان و آشکار رژیم صهیونیستی؛
- همراهی و هم سوئی نیروهای بعثی ارتش عراق (اعم از عناصر پاکسازی شده و یا حاضران در ارتش) در پرتو اهداف مشترک با آنان؛
- بهره مندی از ظرفیت هم افزایی نیروهای معارض و پیوند با گروه های مسلح مخالف دولت عراق؛
- نفوذ ایدئولوژیک در سراسر منطقه و فرامنطقه؛

- حضور و کنترل سرزمینی در مناطقی از عراق، سوریه، پاکستان، افغانستان، شمال آفریقا، آفریقای مرکزی و یمن؛
- آسیب‌پذیر بودن منطقه و فرامنطقه بخصوص کشورهای غربی از بروز ناامنی‌های موضعی، بالا بودن هزینه‌های ناامنی در غرب برای ساختارهای آسیب‌پذیر اقتصادی و سیاسی؛
- بروز آسیب‌های اجتماعی و انسانی از گرایش‌های افراطی در میان جوامع مسلمان در غرب (واگرایی، نژادپرستی، ملی‌گرایی و...) و در نهایت فروپاشی اجتماعی، اختلال ارتباطی و مخدوش شدن هژمونی غرب و روسای کشورهای منطقه در ترویج مفاهیمی همچون آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و...؛
- سبک رهبری داعش و انگیزه بسیار قوی در رهبران و اعضای داعش؛
- استمرار جریان تزریق نیرو به داعش؛
- استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی و مجازی؛
- استفاده داعش از فنون عملیات روانی مانند تولید وحشت؛
- بی‌ثباتی سیاسی داخل عراق و وجود هسته‌های اجتماعی ناراضی (کردی و سنی) نسبت به حکومت مرکزی؛
- ایجاد ترس و نگرانی و در نتیجه نوعی انفعال در جامعه عراق نسبت به اقدامات داعش؛
- همراهی رسانه‌های عربی منطقه با اقدامات داعش؛

۱۳- ضعف‌ها و چالش‌های جریان تکفیری

گروه داعش در راستای حل مسائل و اهداف تعیینی مطابق خصوصیات درونی، بکار گرفته شد و نسبت به محورهایی نیز توفیق بدست آورد، به شکلی که مجموعه پیش‌بینی‌ها را دچار مشکل ساخته و عملکرد قابل توجهی در پیشرفت اهداف، جذب نیرو، گستره و جابجایی منطقه عملیاتی و... به دست آورد. با ظهور و تشدید رفتارهای افراطی، خودسری‌ها، انحراف از مسیر اصلی تعیین شده، نبود استراتژی کارآمد و مؤثر، فقدان بازتولید در اهداف، استراتژی‌ها و هویت گروهی و غلبه رویکرد نامتجانس و غیرمتعارف، انسجام رفتاری و عملکردی گروه را با مشکل مواجه می‌سازد و قدرت کسب حمایت و هماهنگی را از دست می‌دهد و با بحران روبرو می‌شود.

در این شرایط با توجه به همکاری نسبی قدرت‌های فرا منطقه‌ای و برخی کشورهای منطقه، برای مهار و کنترل داعش از یک سو و ائتلاف جبهه مقاومت علیه جریان تکفیری داعش و حمایت همه جانبه از دولت‌های عراق و سوریه با پیوستن روسیه و ورود نظامی این کشور به صحنه منازعات به این ترتیب هر یک از حامیان یا به نوعی در مخالفت با آنها صف می‌کشند و یا آنها را برای سایر اقدامات خود بهانه و ابزار قرار می‌دهند یا در راستای اهداف بسیار خاص بکار گرفته می‌شوند به نظر می‌رسد جریان سلفی تکفیری برای حفظ موقعیت خود در وضع بحرانی قرار گرفته است، زیرا:

- دارای ضعف در گزینش راهبرد سیاسی مناسب و مؤثر (بلند مدت) هستند؛

- فقدان مبانی تئوریک قابل دفاع و نیز پایین بودن سطح علمی نیروهای جریان تکفیری واضح است (تاکنون هیچ اندیشه و نظریه نویی در خصوص مبانی اندیشه ایی داعش از سوی این گروه منتشر نشده است . و اصولا با هر اندیشه نو و خلاقانه ایدئولوژیک مخالف هستند)؛
- نسبت به گسترش خشونت‌ها و تعصب‌های بی‌مورد اصرار دارند؛
- دچار انزوا شدن به سبب تجددستیزی افراطی، حال آن که تجدد و جهانی شدن یک فرآیند فراگیر در معیارهای معتدل است و به نوعی روندی گریزناپذیر است؛
- ضعف و ناتوانی در بازتولید اهداف، استراتژی، هویت گروهی و ساختار داخلی و رفتارهای خود بوده و توان تعامل با محیط را ندارد؛
- چگونگی بهره‌برداری دولت‌ها و کشورها از این جریان، در حال دگرگونی است و این روند نیز فزاینده می باشد؛
- افکار عمومی در لایه‌های گوناگون اجتماعی در سطح منطقه و دنیا در حال تقابل با این جریان است؛
- کاهش بی‌اعتمادی‌های اجتماعی به دلیل رفتارهای وحشیانه و غیرانسانی داعش؛
- تصویر خشن، غیرمنعطف و خون‌ریز از آنان نزد افکار عمومی منطقه و جهان؛
- عدم انسجام ساختار تشکیلاتی در مسیر هم‌افزایی‌های قدرت سازمانی؛
- اختلافات راهبردی و تاکتیکی در تعیین اهداف و مأموریت‌ها؛
- پراکندگی جمعیتی و جغرافیایی نیروها و فرماندهان؛
- عدم دسترسی به تجهیزات پیشرفته و راهبردی در منازعات؛
- برتری تکنولوژیک سازمان‌های اطلاعاتی منطقه ای و فرا منطقه ای در جهت اشراف بر ارتباطات درون تشکیلاتی جریان‌های تکفیری؛
- چالش در مسأله فرماندهی و مرکزگرایی کادرهای اصلی؛
- دشواری تأمین منابع مالی و انتقال این منابع از مسیرهای قابل کنترل؛
- ضعف مبانی و زیرساخت‌های ایدئولوژیک و آسیب‌پذیری های ناشی از آن (ریزش نیروهای مخالف خشونت افراطی)؛
- اختلاف‌های جدی بین گروه‌های مختلف تکفیری و حتی گاهی بین فرماندهان یک گروه؛
- بهره‌گیری از اهرم فشار و ترس ناشی از رویکردهای خشن در مناطق تحت سلطه (روی‌گردانی مردم از آنان به محض تضعیف یا برداشته شدن اهرم فشار)؛
- گستردگی جغرافیایی و پراکندگی در اهداف عملیاتی و گستره قابل ملاحظه صحنه منازعه در عراق و سوریه؛
- عدم دسترسی و یا ضعف در بهره‌برداری از تسلیحات پیشرفته و راهبردی در جریان منازعات؛
- فاصله معنادار گروه‌های مرجع اجتماعی و نخبگان جوامع اسلامی با رویکرد اعتقادی و نظامی گروه‌های تکفیری (فقدان پایگاه نخبگی)؛
- روند افزایشی نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به داعش؛
- انسجام درونی شیعه در عراق و نیز همسویی نسبی آن با نظام ج.ا.ا؛

در هر گروهی وجود یک آرمان یا حلقه اتصال بین اعضا ضروری است. وجود آرمان مشترک است که به گروه انسجام می‌دهد، هنجار تعیین می‌کند، معنا می‌بخشد و رفتارهای گروه را توجیه می‌کند. این وضع، هویتی اجتماعی ایجاد می‌کند که میان گروه خودی و دیگری تفکیک می‌شود. زمانی که فرد یا گروه از فعالیت‌های غیرقانونی برای دستیابی هدف بهره می‌گیرد، تندروی خوانده می‌شود. حد نهایی تندروی، خشونت‌گرایی است. حال این پرسش مطرح است که چرا افراد به جریان تکفیر می‌پیوندند؟ برای تبیین این گرایش و تمایل، از نظر روان‌شناسی، دو نظریه آن را توضیح می‌دهد:

الف) نظریه نارضایتی :

قدیمی‌ترین نظریه درباره عضویت گروه‌های تندرو برپایه علل روانی - اجتماعی است که برخاسته از ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر به فشار روانی می‌شود و همین فشار روانی فرد را به سوی فعالیت‌های افراطی سوق می‌دهد .

ب) نظریه فرآیند چهار مرحله ای :

۱- گشودگی شناختی: بیشتر مردم عضویت در این چنین گروه‌ها را نمی‌پذیرند، با این حال وجود یک بحران می‌تواند اعتقادات پیشین فرد را سست کرده و او را پذیرای دیدگاه‌های جدید کند. مسائل اقتصادی، (از دست دادن شغل) اجتماعی - فرهنگی (احساس ضعف فرهنگی، نژاد پرستی، تحقیر) و سیاسی(سرکوب، شکنجه، تبعیض سیاسی) اصلی‌ترین بحران‌های عمومی هستند.

۲- ایدئولوژی جویی: فرد در پی راهی است که تا بتواند توجیه و تفسیری برای نارضایتی‌هایش بیابد. هر چه دین و مذهب نقش بیشتری در شکل‌گیری هویت داشته باشد، بیشتر احتمال دارد که فرد فرایند معنا جویی را بیشتر از راه مذهب جویی پاسخ دهد.

۳- چارچوب خواهی: جستجو برای چارچوبی مقبول برای جای دادن عقاید.

۴- اجتماعی شدن: درس‌های مذهبی آموخته شده و تجربه‌های فرد می‌تواند جریان تلقین، شکل‌گیری هویت و تغییر ارزش‌ها را آسان کند. در اجتماعی شدن آن چه تاکنون آموخته شده در عمل در صحنه اجتماع نمایش داده شود.

سه مرحله پیشین برای رسیدن به مرحله چهارم ضروری است. اما به رغم تجربه اضطراب (استرس) مشترک در یک جامعه همه به سوی گروه‌های افراطی کشیده نمی‌شوند. در میان پژوهش‌گران شخصیت، درباره کارایی پنج صفت اصلی، مورد اجماع هست. این الگوی پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت عبارتند از:

- روان رنجورخویی (اضطراب، نگرانی، افسردگی، اندوه، خشم و پرخاشگری)
- برون‌گرایی / درون‌گرایی (درون‌گرایی با بیماری‌های روانی بیشتر ارتباط دارد)
- تجربه‌پذیری (افراد افراطی‌ها چندان مایل به تجربه‌های جدید نیستند. شعار جریان تکفیر در بازگشت به سلف صالح حاکی از این وضع روانی است. گذشته‌گرایی تند حتی در رفتار و آرایش ظاهری آنان نیز پیداست.)
- خوشایندی / ضدیت (شخصیت ضد اجتماعی و ضدیت با جامعه میزبان در آنها مرسوم است.)

○ وظیفه‌شناسی (افراد افراطی معمولاً بدون هر توضیحی شغل، خانواده و وظایفی را که بر عهده دارند، رها می‌کنند).

مجموعه شرایط فوق و تلقین‌پذیری بالا، عدم اعتماد به نفس، هوش پایین‌تر از حد طبیعی و بیماری‌های روان‌پزشکی زمینه‌ای (مانند اختلال شخصیتی وابسته، ضد اجتماعی و...) بستر آماده‌ای برای پیوستن به گروه‌های افراطی و تندرو هستند. در کنار این عوامل شخصیتی، شرایط محیطی نابسامان نیز احتمال خطر را افزایش می‌هند.

ادامه دارد.....